

تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزوار)

سعید حسین آبادی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه بزرگمهر قانات، قاین، ایران، نویسنده مسئول)

hosseinabadi@buqaen.ac.ir

یعقوب زنگنه (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)

y.zangane@hsu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

صص ۲۰۴-۱۸۹

DOI: 10.22067/gusd.v4i2.54338

چکیده

حقوق شهری به‌طور خاص تنظیم‌کننده رابطه بین شهروندان و مدیریت شهری است. آگاهی از این حقوق سبب می‌شود که فرد نظارت بهتری بر مدیریت شهری داشته باشد، بهتر بتواند حقوق خود را مطالبه کند و وظایفی که طبق قانون در مقابل دیگران و مدیریت شهری دارد را بشناسد و در جهت انجام آن‌ها اقدام کند. از این رو، آگاهی از حقوق شهری می‌تواند منجر به شهروندی فعال شود. هدف این تحقیق بررسی و تحلیل تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال در شهر سبزوار است. رویکرد کلی تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. داده‌های میدانی از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شهروندان شهر سبزوار و حجم نمونه براساس روش کوکران ۳۸۴ نفر است. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده و روش تحلیل شامل آزمون t تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سطح آگاهی شهروندان سبزوار از حقوق شهری در سطح پایینی است و شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف مابین خود و مدیریت شهری (شهرداری و شورای شهر) آگاهی نسبتاً کمی دارند. همچنین طبق آزمون همبستگی پیرسون، بین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهری و شهروندی فعال رابطه معنادار وجود دارد و افراد دارای آگاهی بیشتر، شهروندانی فعال‌تر می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی از حقوق شهری، حقوق شهری، شهروندی، شهروندی فعال، سبزوار

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

با افزایش روزافزون شهرنشینی در جهان، پیچیدگی‌های تمدن شهرنشینی نیز رو به فزونی است. در این شرایط نمی‌توان به تحقق مفاهیمی مثل توسعه پایدار شهری و عدالت اجتماعی، بدون حضور شهروندان به‌مثابه شهروندان فعال و آگاه در عرصه‌های عمومی امیدوار بود.

شهروندی به‌عنوان پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن، موقعیتی فعال است که علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات (غفاری نسب، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۹) و همچنین بر اشکال مختلف مشارکت اجتماعی اشاره دارد (کارابین، کلمن، گنت و اسپیتز، ۲۰۱۲، ص. ۱۸). از این رو، شهروندی مبنایی عالی برای اداره امور انسانی محسوب می‌شود. شهروندی به کمک مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند. شهروندی فعال به دنبال توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرآیند مشارکت را امری ذاتاً ارزشمند می‌داند. بنابراین، شهروندی فعال چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی و خواهان مشارکتی هدفمند است؛ یعنی شهروندان برای تبدیل اجتماعی و محل زندگی به مکان بهتری فعالانه مشارکت کنند (غفاری نسب، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۹). مشارکت فعال در مدیریت جامعه که یکی از مهم‌ترین عوامل برای رشد و توسعه هر جامعه است

(رئیزی، میری، حافظ رضازاده، ۲۰۱۵، ص. ۷۵) پیش شرط‌هایی دارد. یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌های مشارکت فعال، عنصر دانش و آگاهی حقوقی است؛ به این معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی نداشته باشند؛ به وظایف خود آگاهی نخواهند یافت و به آن عمل نخواهند کرد. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد امکان دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر افراد جامعه می‌شود. بنابراین، میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه‌های فعال شدن آن‌ها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقای آن نقش مؤثری دارد (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹، صص. ۳۸-۳۷). کشورها و دولت‌هایشان نیز به شهروندانی نیاز دارند که به فعالیت‌هایی که برای عملکرد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه مفید باشد، آگاه باشند و با آن درگیر شوند (سوتن، ۲۰۰۸، ص. ۳).

با توجه به اهمیت موضوع، در تحقیق حاضر سعی می‌شود تأثیر میزان آگاهی شهروندان سبزواری از حقوق شهری بر مشارکت فعال آن‌ها بررسی و تحلیل شود.

سؤالات تحقیق عبارت است از:

- الف) میزان آگاهی شهروندان سبزواری از حقوق شهری در چه سطحی است؟
 ب) آیا میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهری تأثیر معناداری بر شهروندی فعال آن‌ها دارد؟
 فرضیه اصلی تحقیق عبارت است:

- میزان آگاهی از حقوق شهری شهروندان سبزواری تأثیر معناداری بر شهروندی فعال آن‌ها دارد.

۲.۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

در حوزه شهروندی و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ برای نمونه گاونتا (۲۰۰۲) در تحقیقی رابطه بین مشارکت شهروندی و پاسخ‌گویی سازمان‌ها و نهادها را بررسی کرده است.

ناکا، اوکادا، فوجیتا و یاماساکی^۱ (۲۰۱۱)، در پژوهشی رابطه بین دانش حقوقی و روان‌شناسی شهروندان توکیو را بر مشارکت آن‌ها با سیستم قضایی این کشور بررسی کرده‌اند. نتایج بیانگر اثر مثبت دانش حقوقی بر مشارکت و رابطه بی‌معنی بین دانش روان‌شناختی و مشارکت است.

لون براون لی^۲ (۲۰۱۶) با استفاده از تجربیات شخصی، سازمانی و اجتماعی انجمن "Amal" (فعالان، دریافت‌کنندگان، کارگزاران جامعه، سیاست‌گذاران و نویسندگان) تأثیر مشارکت شهروندان در تحقق حقوق شهروندی، بهبود جامعه یکپارچه و ترویج یک جامعه چندفرهنگی عادلانه را بررسی کرده است.

ربانی، اسماعیلی و حقیقتیان (۱۳۸۵)، تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی‌شان را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین عوامل اجتماعی- فرهنگی با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. مهم‌ترین عوامل اجتماعی- فرهنگی

مؤثر بر آگاهی حقوقی شامل آموزش‌های اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، حضور در عرصه‌های عمومی، طبقه اجتماعی، تحصیلات و شغل است.

رکن‌الدین افتخاری و رجب‌پور صادقی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به آزمون این فرضیه پرداخته‌اند که میان دانش حقوقی زنان کارمند تهرانی و میزان مشارکت سازمانی ایشان رابطه معناداری وجود دارد. روش کار در بخش نظری، اسنادی و در بخش تجربی با استفاده از فنون آماری به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده است. نتایج نشان داد که میان دانش حقوقی زنان کارمند و مشارکت سازمانی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

صرافی و عبدالهی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور» با تحلیل و تشریح مفهوم، پیشینه و خاستگاه شهروندی و جایگاه آن در قوانین و مقررات شهری کشور، ارتباط آن با مدیریت شهری را تبیین کرده‌اند.

پورطاهری، رکن‌الدین افتخاری و رحمتی (۱۳۹۱)، نقش دانش حقوقی روستاییان دهستان میان کوه غربی شهرستان پلدختر استان لرستان بر میزان رفاه اجتماعی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. آن‌ها دانش حقوقی را در ابعاد حقوق عرفی، حقوق شهروندی و حقوق فردی مطالعه کرده‌اند. براساس این پژوهش مشخص شد که بین دانش حقوقی و میزان رفاه اجتماعی روستاییان رابطه‌ای معنادار وجود دارد و از بین ابعاد مختلف بررسی‌شده، دانش در زمینه حقوق فردی و شهروندی بیشترین سهم را بر رفاه اجتماعی داشته است.

1. Naka, Okada, Fujita & Yamasaki

2. Lunn Brownlee

غفاری نسب (۱۳۹۱)، در یک مقاله مروری به تحلیل مفهوم شهروندی فعال و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی شهری پرداخته است. زیاری، شیخی، باقر عطاران و کاشفی دوست (۱۳۹۲)، در مقاله خود به ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری در پیرانشهر پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است و متغیر آگاهی با شغل افراد ارتباط معناداری دارد؛ اما تحصیلات دانشگاهی افراد بر این شاخص تأثیر خاصی نداشته است. مجموعه این عوامل نشانگر آن است که بیشتر افراد آگاه به صورت تجربی و در جریان درگیری‌های حقوقی با بخش‌های مختلف شهرداری یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به دست آورده‌اند.

آراسته، تقوایی و کامیار (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تلاش کرده‌اند به تعریف حقوق شهروندی از دیدگاه شهروندان محلاتی از شهر تهران پردازند. مطالعات تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل مؤثر در رفتار ناهنجار شهروندان و عدم پیروی از قانون، نارضایتی از شرایط روحی-روانی حاکم بر فضای ذهنی فرد است. شرایطی که مربوط به فضای خصوصی فرد است و می‌تواند به فضای عمومی انتقال یابد و موجب بروز رفتار نامناسبی از سوی فرد شود و حق دیگر شهروندان را ضایع کند. تعریف حق شهروندی در میان طیف‌های گوناگون متفاوت است و در میان هر طیف، منعطف به نیازها و دغدغه‌های فکری شهروندان است.

پس از بیان پیشینه تحقیق، در بخش ذیل به مهم‌ترین مفاهیم و مبانی نظری حول موضوع تحقیق پرداخته می‌شود:

۱.۳. شهروندی

در دانش‌نامه سیاسی، شهروند فردی است در ارتباط با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی به عهده دارد. این رابطه بیانگر مفهوم شهروندی است (کامیار، ۱۳۸۷، ص. ۳۸). تیباچ مارشال شهروندی را شامل سه بخش اجتماعی، سیاسی و مدنی می‌داند. عنصر مدنی مواردی چون حقوق ضروری برای آزادی شخصی، آزادی بیان، فکر و اعتقاد، حق مالکیت شخصی، انعقاد قراردادهای معتبر و حق دادگستری را در بر می‌گیرد. مقصود مارشال از عنصر سیاسی حق مشارکت در قدرت سیاسی و منظور از عنصر اجتماعی گستره‌ای کامل از حق رفاه اقتصادی و امنیت تا حق سهم بودن در میراث اجتماعی و زندگی بر طبق استانداردهای عمومی جامعه شهری است (رسولی و زنده‌بودی، ۱۳۸۸، ص. ۱۹). شهروندی یک موقعیت عضویت است که مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات (لطفی، عدالت‌خواه، میرزایی و وزیرپور، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۴) و مشارکت و هویت را شامل می‌شود (سمیسمنس، ۲۰۰۹). این اصطلاح بیانگر منزلتی است که از طریق قانون به افراد اعطا می‌شود و نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاهشان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوق و وظایفی هستند. تعاریف شهروندی هسته‌های مشترکی دارد: نوعی پایگاه و

نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، استعاری و فرهنگی همگانی برابر و یکسان، احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۴).

۱. ۴. شهروندی فعال

توسعه مفهوم شهروندی همچنین اشاره می‌کند که حق مشارکت خودش باید به عنوان یک حق شهروندی اساسی که به حمایت و تضمین سایر حقوق کمک می‌کند، در نظر گرفته شود. آن گونه که لیستر می‌گوید: «حق مشارکت در تصمیم‌سازی در زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باید در سلسله حقوق انسانی در نظر گرفته شود. شهروندی به عنوان مشارکت می‌تواند به عنوان نمودی از عاملیت انسانی در عرصه سیاسی دیده شود. در این صورت شهروندی همه حقوقی است که افراد را قادر می‌سازد به عنوان عاملان عمل کنند (لیستر، ۱۹۹۸، ص. ۲۲۸). در همین راستا بحث شهروندی فعال مطرح می‌شود. از نظر چارلز تیلی در شهروندی سطحی که حقوق برتر انگاشته می‌شود، شهروندی حالتی انفعالی دارد. افراد مستقل هستند، آزادی از طریق انتخابات محقق می‌شود و بیشتر بر جنبه حقوقی شهروندی

تأکید می‌شود؛ اما در شهروندی فعال، حقوق و مسئولیت‌ها به طور متقابل یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند، شهروندی حالتی فعالانه دارد، جامعه سیاسی به عنوان بنیان زندگی خوب تلقی می‌شود. تأکید بر وابستگی متقابل می‌شود، آزادی از طریق فضیلت مدنی محقق می‌شود و شهروندی جنبه اخلاقی دارد (فالکس، ۱۳۸۱، به نقل از غفاری نسب، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۹). شهروند فعال در پی مشارکتی هدفمند است. هدف از کاربرد این مفهوم درگیر کردن مردم در بهتر ساختن جامعه برای خود و اطرافیان است. در حقیقت، شهروندی فعال معطوف به درگیر کردن افراد در فرآیند تصمیم‌گیری است (پورعزت، قلی‌پور و باغستانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶). یک جامعه سیاسی سالم نیازمند شهروندانی فعال است. شهروندی فعال با فرد آغاز می‌شود؛ زیرا با اقدامات خود فرد شرایط ساختاری شهروندی باز تولید شده و بهبود می‌یابد (هاشمی، همتی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۵۱).

۱. ۵. حقوق شهروندی و حقوق شهری

یک شهروند عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه به مقرراتی نیاز دارد که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان بخشد. از این رو، از دید شهری، موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است (شکری، ۱۳۸۶، ص. ۸۰).

اصطلاح دیگری که وجود دارد و به‌طور اختصاصی در این تحقیق مد نظر است، حقوق شهری است. حقوق شهری، شاخه‌ای از حقوق اساسی و حقوق اداری است که هردوی آن‌ها از شاخه‌های حقوق داخلی عمومی هستند (نصر، ۱۳۸۵، ص. ۶۸). موضوع حقوق شهری روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یک‌دیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن‌ها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر است. به عقیده کامیار، حقوق شهری مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای دخیل در امر محلی و شهری را تنظیم کرده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند (کامیار، ۱۳۸۶، ص. ۲۱). حفاظت از منافع عمومی و منافع محلی، تقدم منافع عمومی بر منافع خصوصی از جمله ویژگی‌های حقوق شهری است (قاسمی حامد، ۱۳۸۰، صص. ۵۸-۵۵). بنابراین، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که حقوق شهری به‌طور خاص ناظر بر تکالیف و حقوق متقابل مردم و مدیریت شهری است و تأمین این حقوق به‌نوعی تأمین بخش مهمی از حقوق شهروندی نیز است.

۱.۶. تأثیر آگاهی و دانش حقوقی بر شهروندی

فعال

امروزه مشارکت فعال ضرورتی مهم برای توسعه جوامع شهری است؛ اما در این بین فقدان دانش مانع مؤثری در برابر الگوی مناسب رفتار شهروندی است. از این‌رو، ارتقای دانش حقوقی در مسائل شهری

می‌تواند عاملی مؤثر جهت رفع موانع موجود پیش روی مشارکت شهروندان در امور اداره شهری باشد (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۸).

آگاهی شهروندی بیانگر شناخت شهروندان از تکالیف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و انجام تعهداتشان است. آگاهی از حقوق شهری سبب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شده و ثمربخش‌تر شود. شناخت امکانات موجود برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری و نیز آشنایی با وظایف هر یک از واحدهای زیرمجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آن‌ها، به شهروندان جهت بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت کمک می‌کند. آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه‌ساز انجام وظایف دوجانبه می‌شود و پاسخ‌خواهی و حساب‌کشی شهروندان از مدیریت شهری را در پی دارد (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۱۳).

دانش حقوقی علاوه بر رشد آگاهی‌های شهروندان نسبت به نحوه اداره محیطی که در آن زندگی می‌کنند، با افزایش ظرفیت‌های فردی و جمعی، موجب تسهیل مشارکت شده و زمینه دست‌یابی به توسعه را فراهم می‌سازد. از دیگر سو، بهبود دانش حقوقی می‌تواند به ارتقای فعالیت‌های مشارکت منجر شود؛ زیرا این دانش، دیدگاه‌ها و مهارت‌ها را در اجرای صحیح قوانین و مقررات با ظرفیت‌های مختلف به کار می‌بندد و جامعه انسانی را

توانمند می‌سازد. بنابراین، جهت توانمندسازی جامعه، پیشبرد اهداف توسعه و افزایش مشارکت شهروندان، آشنایی افراد با دانش حقوقی ضرورت می‌یابد (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۷).

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. روش تحقیق

رویکرد کلی تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و تحقیق از نوع هم‌بستگی است که در آن هم‌بستگی بین دانش حقوقی و شهروندی فعال مد نظر است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتاب‌خانه‌ای و میدانی است. برای تدوین بخش مبانی نظری از مقالات و تحقیقات صورت گرفته و برای معرفی محدوده مورد مطالعه از آمار و اسناد موجود (آمارهای موجود در طرح تفصیلی و جامع شهر، آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن و غیره) استفاده شده و برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به بخش مطالعه میدانی پرسش‌نامه طراحی شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای کلیه گویه‌های پرسش‌نامه حدود ۰/۹ است که نشان‌دهنده پایایی بالای سؤالات پرسش‌نامه است. محدوده جغرافیایی پژوهش، شهر سبزوار است. جامعه آماری، شهروندان این شهر (حدود ۲۴۳ هزار نفر)، حجم نمونه، ۳۸۴ نفر و روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده است. آزمون آماری مورد استفاده شامل آزمون t تک‌نمونه‌ای و آزمون هم‌بستگی پیرسون است.

۲.۲. معرفی متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، آگاهی از حقوق شهری، متغیر مستقل است که با گویه‌هایی چون آگاهی از منابع

درآمدی شهرداری، آگاهی از روند و ساختار اداری در سازمان‌ها و نهادهای مدیریت شهری، آگاهی از قوانین انتخاباتی مثل انتخابات شورای شهر، آگاهی از ماده صد قانون شهرداری (مربوط به ساخت‌وسازهای شهری) آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده‌روها، آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی، آگاهی از قوانین مربوط به حفظ و نگهداری فضای سبز شهری، آگاهی از وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر)، در قبال شهروندان (به‌طورکلی)، آگاهی از وظایف خود به‌عنوان یک شهروند در قبال جامعه شهری، آگاهی از وظایف خود به‌عنوان یک شهروند در قبال نهادهای مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر، نهادهای دولتی و غیره) سنجش می‌شود.

متغیر وابسته تحقیق نیز شهروندی فعال است که با گویه‌هایی چون تلاش در جهت رعایت قوانین ساختمان‌سازی و پرهیز از تخلفات، مکاتبه با مسئولان اجرایی و درخواست برای پاسخ‌گویی آن‌ها در رابطه با مسئولیتشان، مکاتبه یا مذاکره در موقع ضرورت (برای رفع یک مشکل مرتبط با شهر یا محله یا جلوگیری از وقوع مشکل) با نهادهای مسئول (شواری شهر، مسئولین شهرداری و غیره)، جلوگیری از تخریب منافع و اموال عمومی با ارشاد دیگران، شرکت در تشکل‌های مردمی و فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت در جهت بهبود وضعیت محله و شهر با مسئولین و شهروندان، تلاش برای درخت‌کاری، نگهداری از فضای سبز و حفظ نظافت پارک‌ها،

پرهیز از اشغال پیاده‌رو و شرکت آگاهانه و با تحقیق در انتخابات شورای شهر سنجش می‌شود.

۳.۲. محدوده پژوهش

شهر سبزوار در فاصله ۲۴۰ کیلومتری غرب شهر مشهد در طول جغرافیایی ۵۷ درجه و ۴۳ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه شمالی در ارتفاع متوسط ۹۶۰ متری از سطح دریا واقع شده است. آب‌وهوای سبزوار دارای ویژگی عمومی اقلیم گرم و خشک با زمستان‌های سرد و نیمه‌مرطوب و تابستان‌های گرم و خشک است. (مهندسین مشاور پردازاز، ۱۳۸۸، ص. ۵). شهر سبزوار طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ حدود ۲۴۳۷۰۰ نفر جمعیت دارد و یک شهر میانه‌اندام محسوب می‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. آگاهی از حقوق شهری در بین شهروندان

سبزواری

در این تحقیق برای سنجش متغیرهای آگاهی حقوقی و شهروندی فعال، گویه‌هایی جهت پرسش از ساکنان در طیف پنج‌مقیاسی لیکرت طرح شده است. برای آزمون سطح این متغیرها در محله مورد مطالعه از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. با توجه به این که طیف لیکرت از امتیاز ۱ (کاملاً مخالف) تا امتیاز ۵ (کاملاً موافق) می‌تواند کدبندی و امتیازدهی شود، در این آزمون عدد ۳ به‌عنوان حد متوسط (test value) در نظر گرفته شده است و میانگین‌های به‌دست‌آمده با توجه به این عدد مقایسه می‌شود. اگر میانگین نمونه مورد مطالعه در مؤلفه یا

مؤلفه‌ها بالاتر از عدد ۳ باشد و میزان sig هم کمتر از آلفا ۰,۰۵ باشد، می‌توان گفت که سطح متغیر مورد نظر به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط است و برعکس. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای در جدول (۱) آمده است.

۲.۲. آگاهی از وظایف مدیریت شهری

در این تحقیق به‌طور خاص از میزان آگاهی افراد از حوزه عملکرد مدیریت شهری (شورا و شهرداری) از شهروندان سؤال شد. نتایج نشان می‌دهد که آگاهی ساکنان از وظایف و اختیارات شهرداری و شورای شهر در حد پایینی است (میانگین ۲,۴۳).

۳.۳. آگاهی از منابع درآمدی و هزینه شهرداری

شهرداری به‌عنوان متولی ارائه بسیاری از خدمات شهری به شهروندان، طبق قانون، راه‌های درآمدی مختلفی دارد که بیشتر آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم از شهروندان اخذ می‌شود. میزان آگاهی از این قوانین نقش مهمی می‌تواند در همکاری شهروندان با شهرداری داشته باشد. با توجه به پاسخ شهروندان سبزواری، میانگین نمره ۲/۳۵ و sig کمتر از آلفا ۰,۰۵ این موضوع را نشان می‌دهد. آن‌ها اطلاع کمی از این قوانین دارند، این امر می‌تواند این شائبه را در شهروندان ایجاد کند که پرداخت عوارض و هزینه‌های مقرر شده، وظیفه آن‌ها نیست. این در حالی است که شهرداری طبق قانون یک نهاد غیردولتی و عمومی محسوب می‌شود که بخش قابل توجهی از درآمد آن از خود شهروندان (در قالب‌های مختلف) باید اخذ شود. این آگاهی کم یا ناآگاهی برخی از شهروندان در واقع به‌نوعی ناآگاهی از بخشی از

وظایف شهروندی در قبال مدیریت شهری نیز قلمداد می‌شود.

۳. ۴. آگاهی از روند انجام کارهای اداری

مدیریت شهری

افراد برای مطالبه حقوق خود از مدیریت شهری باید نسبت به روند و ساختار اداری حاکم بر نهادهای مدیریت شهری آگاه باشند. این بخشی از حقوق شهروندی است که می‌تواند به مطالبه حقوق دیگر نیز کمک کند که متأسفانه شهروندان سبزواری نسبت به این مورد نیز آگاهی کمی دارند (میانگین ۲,۳۶).

۳. ۵. آگاهی از قوانین انتخاباتی شورای شهر

میانگین پاسخ پاسخ‌دهندگان در مورد آگاهی از قوانین انتخاباتی شورای شهر ۲,۷ است که نشان‌دهنده ضعف آگاهی اکثریت افراد نسبت به این قوانین است.

۳. ۶. آگاهی از قانون مربوط به حق کسب و

پیشه

قانون حق کسب و پیشه یکی از قوانین شهری است که مواد مختلفی دارد و حقوقی را برای کاسبان در مقابل مدیریت شهری تعیین کرده است؛ برای مثال، در ماده ۱ این قانون آمده است: «پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت اشخاص (اعم از مستأجر یا متصرف یا خود مالک) که محل کار آن‌ها در اثر اجرای طرح‌های احداث و توسعه معابر و نوسازی و عمران شهری از بین می‌رود، طبق مقررات این آیین‌نامه از طرف شهرداری پرداخت می‌شود». یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور کلی افراد نسبت به این قانون نیز اطلاع بسیار کمی دارند.

۳. ۷. آگاهی از ماده ۱۰۰ قانون شهرداری

ماده ۱۰۰ قانون شهرداری که بیانگر الزام شهروندان به اخذ پروانه و رعایت اصول ساختمانی و نظارت شهرداری و اختیارات آن به عملیات ساختمانی است هم بیانگر تکلیف شهروندی و هم حق شهروندی است. تکلیف است از آن جهت که شهروند را ملزم به رعایت آن می‌سازد و حق است چون رعایت این اصول می‌تواند به ایجاد شهری سالم کمک کند و این جزئی از حقوق شهروندی است. متأسفانه میزان آگاهی شهروندان سبزواری از این ماده قانونی و تبصره‌های مرتبط با آن بسیار ضعیف است (با میانگین ۲/۲۷).

۳. ۸. آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری،

تعمیر و احداث مکان‌های عمومی

یکی از وظایف شهرداری که در قانون شهرداری‌ها معین شده احداث، نگهداری و تعمیر مکان‌های عمومی است. در این مورد نیز آگاهی شهروندان در حد کمی است. میانگین ۲/۶۹ این نکته را تأیید می‌کند. این اطلاع کم می‌تواند باعث کاهش نظارت و پیگیری شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری در این حوزه شود.

۳. ۹. آگاهی از وظایف خود در قبال جامعه

شهری

طبق پاسخ افراد، آگاهی آن‌ها نسبت به وظایف خود در قبال شهروندان و جامعه در حد متوسط است (میانگین ۳/۰۱).

۳.۱۰. آگاهی از وظایف خود در قبال مدیریت

شهری

همان‌طور که نهادهای مدیریت شهری تکالیفی در مقابل شهروندان دارند، شهروندان نیز تکالیفی در برابر این نهادها دارند. آگاهی از این تکالیف می‌تواند منجر به مشارکت و همکاری بهتر با این نهادها شود. طبق پاسخ افراد به این گویه، در کل میزان آگاهی نسبت به این مؤلفه در حد پایینی است (با میانگین ۲/۷۹).

۳.۱۱. آگاهی از قوانین مربوط به حفظ و

نگهداری فضای سبز شهری

یکی از وظایف شهرداری، توسعه و حفظ فضای سبز شهری و جلوگیری از تخریب آن است. سطح

اطلاع شهروندان در مورد این قانون کمی بیشتر از حد متوسط است و شهروندان سبزواری آگاهی نسبی نسبت به آن دارند که این خود نکته مثبتی است.

۳.۱۲. آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال

پياده‌روها

یکی از وظایف شهرداری جلوگیری از اشغال پیاده‌روهاست که نوعی حق و تکلیف برای شهروندان است؛ یعنی شهروندان موظف به رعایت آن هستند و رعایت آن به نوعی احترام به حقوق جمعی است؛ اما متأسفانه طبق پاسخ افراد، سطح آگاهی شهروندان از این مورد در سطح پایینی است.

جدول ۱. میزان آگاهی از حقوق شهروندی در سبزوار

Sig	میانگین	موضوع آگاهی
۰/۰۰	۲/۳۵	آگاهی از منابع درآمدی شهرداری
۰/۰۰	۲/۳۶	آگاهی از روند و ساختار اداری در سازمان‌ها و نهادهای مدیریت شهری
۰/۰۰	۲/۷	آگاهی از قوانین انتخاباتی مثل انتخابات شورای شهر
۰/۰۰	۲/۲۷	آگاهی از ماده صد قانون شهرداری (مربوط به ساخت‌وسازهای شهری)
۰/۰۰	۲/۷۷	آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده‌روها
۰/۰۰	۲/۶۹	آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی
۰/۰۸۲	۳/۱۱	آگاهی از قوانین مربوط به حفظ و نگهداری فضای سبز شهری
۰/۰۰	۲/۴۳	آگاهی از وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر، در قبال شهروندان (به‌طورکلی))
۰/۸۶	۳/۰۱	آگاهی از وظایف خود به‌عنوان یک شهروند در قبال جامعه شهری
۰/۰۰	۲/۷۹	آگاهی از وظایف خود به‌عنوان یک شهروند در قبال نهادهای مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر، نهادهای دولتی و غیره)
۰/۰۰	۲/۶۵	میانگین آگاهی از کلیه موارد ذکرشده فوق

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۳.۱۳. وضعیت شهروندی فعال در شهر سبزوار

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد در برخی امور مثل مکاتبه با مسئولان اجرایی و درخواست

برای پاسخ‌گویی آن‌ها در رابطه با مسئولیتشان، مکاتبه یا مذاکره در موقع ضرورت (برای رفع یک مشکل مرتبط با شهر یا محله یا جلوگیری از وقوع مشکل)،

حد پایینی است. مؤلفه مشارکت در جهت بهبود وضعیت محله و شهر با مسئولان و شهروندان با میانگین ۲,۹۵ کمی پایین تر از عدد ۳ است؛ اما چون sig بیشتر از ۰,۰۵ است، این فاصله با حد وسط (۳) معنادار نیست و می توان گفت این مؤلفه در حد متوسط است (جدول ۲).

با نهادهای مسئول (شواری شهر، مسئولان شهرداری و غیره) و شرکت در تشکل های مردمی و فعالیت های داوطلبانه، سطح فعالیت شهروندان پایین تر از حد وسط (عدد ۳) است و با توجه به میزان sig که در تمامی این موارد کمتر از آلفا ۰,۰۱ است، از نظر آماری با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که سطح فعالیت شهروندان در این زمینه ها در

جدول ۲. مؤلفه های شهروندی فعال در بین شهروندان سبزوار

وضعیت متغیر	Sig	میانگین	گویه های نشان دهنده شهروندی فعال
بالا	۰,۰۱۳	۳,۲۶	تلاش در جهت رعایت قوانین ساختمان سازی و پرهیز از تخلفات
پایین	۰,۰۰	۲,۷۲	مکاتبه با مسئولان اجرایی و درخواست برای پاسخ گویی آن ها در رابطه با مسئولیتشان
پایین	۰,۰۰	۲,۵۳	مکاتبه یا مذاکره در موقع ضرورت (برای رفع یک مشکل مرتبط با شهر یا محله یا جلوگیری از وقوع مشکل)، با نهادهای مسئول (شواری شهر، مسئولین شهرداری و غیره)
بالا	۰,۰۰۵	۳,۱۸	جلوگیری از تخریب منافع و اموال عمومی با ارشاد دیگران
پایین	۰,۰۰	۲,۷۳	شرکت در تشکل های مردمی و فعالیت های داوطلبانه
متوسط	۰,۴۴	۲,۹۵	مشارکت در جهت بهبود وضعیت محله و شهر با مسئولان و شهروندان
بالا	۰,۰۰	۳,۵۶	تلاش برای درخت کاری، نگهداری از فضای سبز و حفظ نظافت پارک ها
بالا	۰,۰۰	۳,۶	پرهیز از اشغال پیاده رو
بالا	۰,۰۰	۳,۴۲	شرکت آگاهانه و با تحقیق در انتخابات شورای شهر
بالا	۰,۰۳	۳,۱	میانگین گویه های فوق (شهروندی فعال)

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

با توجه به sig مشاهده شده می توان از نظر آماری بیان داشت که سطح شهروندی فعال بالاتر از حد متوسط است.

۳.۱۴. تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر

شهروندی فعال در سبزوار

فرضیه اصلی تحقیق بیانگر تأثیر آگاهی حقوقی بر شهروندی فعال است. طبق آزمون هم بستگی پیرسون، ضریب هم بستگی بین تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی و شهروندی فعال حدود ۰/۴۰۹ است.

طبق اظهار شهروندان، آن ها در مؤلفه های تلاش برای درخت کاری، نگهداری از فضای سبز و حفظ نظافت پارک ها، پرهیز از اشغال پیاده رو، شرکت آگاهانه و با تحقیق در انتخابات شورای شهر و تلاش در جهت رعایت قوانین ساختمان سازی و پرهیز از تخلفات، فعال و مثبت عمل می کنند، میانگین بالاتر از ۳ بیان گر این موضوع است. در کل نیز میانگین متغیر شهروندی فعال که از مجموع گویه های ذکر شده حاصل می شود در شهر سبزوار حدود ۳/۱ است که

سطح معنی داری ($\text{sig}=0.00$) معنی دار بودن رابطه را تأیید می کند. بنابراین، اساساً افرادی که دارای آگاهی بیشتر در زمینه حقوق شهری هستند، بیشتر در امور شهری مداخله فعال دارند. این نکته بیانگر آن است که فرضیه اصلی تحقیق (تأثیر آگاهی از حقوق شهری

بر شهروندی فعال) تأیید می شود. این تأییدکننده آن است که مشارکت فعالانه و آگاهانه در گرو آگاهی از وظایف و حقوق است و بدون آن نمی توان مشارکتی هدفمند، منطقی و فعال را از شهروندان انتظار داشت.

جدول ۳. هم بستگی پیرسون بین دو متغیر آگاهی از حقوق شهری و شهروندی فعال

متغیر مستقل: آگاهی از حقوق شهروندی	Sig.	ضریب هم بستگی پیرسون
متغیر وابسته: شهروندی فعال	۰/۰۰	***۰/۴۰۹
**Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۳.۱۵. رابطه بین ویژگی های فردی و آگاهی

شهروندان از حقوق شهری

با توجه به آزمون هم بستگی پیرسون، بین سطح تحصیلات و آگاهی شهروندان از حقوق شهری رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد و بر این اساس افراد با تحصیلات بالاتر، دانش بیشتری نسبت به حقوق شهری دارند. بین درآمد و سطح آگاهی

حقوقی نیز رابطه مثبت وجود دارد، با توجه به sig می توان هم بستگی بین این دو مورد را نیز معنادار دانست؛ اما رابطه بین سن و سطح آگاهی از نظر آماری معنادار نیست؛ زیرا sig بیشتر از ۰,۰۵ است، پس سن نمی تواند نقشی در سطح آگاهی افراد ایفا کند.

جدول ۴. ضریب هم بستگی بین ویژگی های فردی و سطح آگاهی پاسخ گویان

متغیر مستقل	ضریب هم بستگی پیرسون	sig
سن	-۰/۰۳۱	۰/۵۶۶
سطح تحصیلات	***۰/۲۷۰	۰/۰۰
درآمد	***۰/۱۸۷	۰/۰۰
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شهروندی نشانگر مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که افراد جامعه نسبت به هم و نسبت به اداره‌کنندگان جامعه دارند. حقوق شهری به‌طور خاص تنظیم‌کننده رابطه بین شهروندان و مدیریت شهری است. آگاهی از این حقوق سبب می‌شود که فرد نظارت بهتری بر مدیریت شهری داشته باشد، بهتر بتواند حقوق خود را مطالبه کند و وظایفی که طبق قانون در مقابل دیگران و مدیریت شهری دارد را بشناسد و در جهت انجام آن‌ها اقدام کند. از این رو، آگاهی از حقوق شهری می‌تواند منجر به شهروندی فعال شود. با توجه به اهمیت این موضوع، در این تحقیق سعی شد تأثیر آگاهی شهروندان از حقوق شهری بر شهروندی فعال در شهر سبزوار بررسی و تحلیل شود. در این تحقیق مشخص شد که آگاهی شهروندان شهر سبزوار از حقوق شهری در سطح پایینی قرار دارد. میزان آگاهی از منابع درآمدی شهرداری، میزان آگاهی از روند و ساختار اداری در سازمان‌ها و نهادهای مدیریت شهری، آگاهی از قوانین انتخاباتی مثل انتخابات شورای شهر، آگاهی از ماده صد قانون شهرداری (مربوط به ساخت‌وسازهای شهری)، آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده‌روها، آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی، آگاهی از وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر) در قبال شهروندان (به‌طور کلی) آگاهی از وظایف خود به‌عنوان یک شهروند در قبال نهادهای مدیریت شهری (شهرداری)،

شورای شهر، نهادهای دولتی و غیره) مواردی بودند که شهروندان اطلاع کمی نسبت به آن داشتند. بخشی دیگر از یافته‌ها بیانگر آن است که برخی از مؤلفه‌های شهروندی فعال شامل شرکت در تشکل‌های مردمی و فعالیت‌های داوطلبانه، مشارکت در جهت بهبود وضعیت محله و شهر با مسئولان و شهروندان، مکاتبه با مسئولان اجرایی و درخواست برای پاسخ‌گویی آن‌ها در رابطه با مسئولیتشان و مکاتبه یا مذاکره در موقع ضرورت (برای رفع یک مشکل مرتبط با شهر یا محله یا جلوگیری از وقوع مشکل) با نهادهای مسئول (شورای شهر، مسئولان شهرداری و غیره) در سطح پایینی است؛ اما در کل سطح شهروندی فعال کمی بالاتر از حد متوسط است.

نتیجه مهم این تحقیق آن است که آگاهی شهروندان از حقوق شهری تأثیر معنادار بر شهروندی فعال دارد، به طوری که افزایش این آگاهی‌ها می‌تواند باعث افزایش مشارکت فعال شهروندی و شهروندی فعال شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا شهرداری و دیگر نهادهای مدیریت شهری تلاش گسترده‌ای به‌منظور آموزش شهروندان جهت افزایش آگاهی حقوقی داشته باشند. این افزایش آگاهی باعث می‌شود مردم درک بهتری نسبت به چهارچوب قانونی وظایف شهرداری و نهادهای مدیریت شهری داشته باشند و این خود کمک می‌کند تا آن‌ها برخی از انتظارات که خارج از چهارچوب قانونی این نهادها است را نداشته باشند و در عوض با درک صحیح از وظایف این نهادها نظارت بهتری بر عملکرد آن‌ها داشته باشند و در صورت تخلف یا کوتاهی وظیفه، با

عنایت به قوانین و حقوق شهری، وظیفه آنها را یادآور شوند. شهروندان نیز با آگاهی از وظایف خود تلاش می‌کنند تا در جهت کمک به توسعه شهری قدم بردارند. البته این مداخله فعال تنها با عنصر آگاهی به دست نمی‌آید و باید شرایط دیگر برای مشارکت فعال وجود داشته باشد. از جمله این که باید ساختار تصمیم‌گیری و مدیریت شهری، ساختاری مشارکتی و دموکراتیک باشد که مشارکت را حق مردم بداند و نهادهای مدیریتی را نیازمند به استفاده از دیدگاه شهروندان و متعهد به احقاق حقوق آنها بداند.

حقوق شهری بر شهروندی فعال تأیید شد. البته متغیرهای مستقل و وابسته این دو تحقیق - علی‌رغم شباهت ظاهری واژگان - تفاوت معنایی زیادی با هم دارد. در این جا سخن از آگاهی از حقوق و قوانین شهری و مشارکت در امور شهری به‌مثابه یک شهروند فعال است؛ اما در آن جا منظور آگاهی از حقوق و مشارکت در امور یک سازمان است. باین حال، می‌توان گفت که به‌رحال مشارکت در هر زمینه جمعی و از جمله زندگی شهری مستلزم پیش‌شرط آگاهی و شناخت از حقوق و تکالیف است.

همان‌طور که در پیشینه تحقیق قابل مشاهده است؛ این تحقیق نگاهی متفاوت نسبت به آگاهی حقوقی داشته است و تأثیر این متغیر را بر مشارکت شهروندی بررسی کرده است که از این نظر این تحقیق با پژوهش‌هایی که به آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته‌اند، متفاوت است. باین حال، می‌توان در برخی بخش‌ها مشابهت‌هایی بین این مقاله و مقالات دیگر یافت. همان‌طور که زیاری و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است، این تحقیق نیز نشان می‌دهد که میزان آگاهی از حقوق شهری شهروندان شهر سبزوار در سطح پایینی است.

در پایان باید گفت که با توجه به نقش مهم آموزش حقوق شهروندی در مشارکت شهروندان، نهادهای آموزشی و فرهنگی جامعه و رسانه‌ها در برنامه‌های آموزشی خود، باید با تولید محتوای غنی و جذاب در جهت افزایش آگاهی مردم از حقوق شهروندی تلاش نمایند.

با توجه به اینکه در این تحقیق به طور خاص موضوع آگاهی شهروندان از حقوق شهری (حقوق و تکالیف بین مردم و مدیریت شهری) در شهر سبزوار مورد توجه قرار گرفت و نتایج حاکی از پایین بودن سطح آگاهی شهروندان این شهر از قوانین و حقوق شهری است پیشنهاد می‌گردد که مدیریت شهری این شهر برنامه‌ای اصولی در جهت ارتقاء سطح آگاهی مردم تدوین و اجرا نماید. آگاه سازی به طرق مختلف از جمله برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مرتبط با قوانین و مسائل مدیریت شهری، نصب بنرهای آموزشی در سطح شهر مرتبط با حقوق شهری، اطلاع‌رسانی از طریق

رکن‌الدین افتخاری و رجب‌پور صادقی (۱۳۸۷)

نیز به این نتیجه رسیده‌اند که میان دانش حقوقی زنان کارمند و مشارکت سازمانی آنها رابطه معناداری وجود دارد. در تحقیق حاضر نیز تأثیر آگاهی از

مطبوعات و رسانه های محلی و... به مرور زمان افزایش دهد.
آگاهی مردم نسبت به قوانین و حقوق شهری را

کتابنامه

۱. آراسته، م.، تقوایی، ع.، کامیار، م. (۱۳۹۳). تحلیل ابعاد مختلف حقوق شهروندی از دیدگاه شهروندان، بررسی میدانی: محدوده پیرامونی خیابان کارگر شمالی و مرکز قلب تهران. مدیریت شهری، (۳۶)، ۳۳۸-۳۲۳.
۲. پورطاهری، م.، رکن الدین افتخاری، ع.، رحمتیم. (۱۳۹۱). نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: دهستان میان کوه غربی، شهرستان پلدختر، استان لرستان. جغرافیا و برنامه ریزی، (۴۲)، ۶۳-۴۵.
۳. پورعزت، ع.ا.، قلی پور، آ.، باغستانی، ح. (۱۳۸۸). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ گویی و شفافیت سازمان ها. رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۸)، ۴۰-۷.
۴. ربانی، ر.، اسماعیلی، م.، حقیقتیان، م. (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی در شهر اصفهان سال ۱۳۸۴. علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، (۱)، ۱۰۶-۸۵.
۵. رسولی، م.ر. و زنده بودی، خ. (۱۳۸۸). رسانه و آموزش حقوق شهروندی. تحقیقات روابط عمومی، ۱۰ (۶۰)، ۲۴-۱۸.
۶. رکن الدین افتخاری، ع.ا.، رجب پور صادقی؛ ا. (۱۳۸۷). نقش دانش حقوقی زنان کارمند در فرآیند مشارکت، پژوهش زنان، ۶ (۱)، ۷۴-۵۵.
۷. زیاری، ک.، شیخی، ع.، باقر عطاران، م.، کاشفی دوست، د. (۱۳۹۲). ارزیابی میزان آگاهی های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری. پژوهش های جغرافیا برنامه ریزی شهری، ۱ (۱)، ۷۷-۵۹.
۸. شگری، ن. (۱۳۸۶). شهرنشینی، حقوق و مسئولیت های شهروندان. مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی. تهران: شهرداری تهران و دانشکده مدیریت.
۹. شیانی، م. و دادوندی، ط. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۵)، ۶۰-۳۵.
۱۰. صرافی، م.، عبدالمهی، م. (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور. پژوهش های جغرافیایی، (۶۳)، ۱۳۴-۱۱۵.
۱۱. غفاری نسب، ا. (۱۳۸۹). نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری. مطالعات شهری، ۲ (۲)، ۱۶۲-۱۳۹.
۱۲. فالکس، ک. (۱۳۸۱). شهروندی. (مترجم: م. ت. دلفروز). چاپ اول. تهران: انتشارات کویر.
۱۳. قاسمی حامد، ع. (۱۳۸۰). نظارت پذیری شورای اسلامی شهر در چارچوب حقوق شهری. تحقیقات حقوقی، (۳۳ و ۳۴)، ۱۸۰-۱۴۹.
۱۴. کامیار، غ.ر. (۱۳۸۷). حقوق شهروندی و شهرسازی. چاپ سوم. تهران: انتشارات مجد.

۱۵. لطفی، ح.، عدالت خواه، ف.، میرزایی، م.، وزیرپور، ش. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان. فصلنامه جغرافیای انسانی، (۱)، ۱۱۰-۱۰۱.
۱۶. محمدی، ج.، تبریزی، ن. (۱۳۹۰). سنجش میزان آگاهی های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری، (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ ساله شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر). جامعه شناسی مطالعات جوانان، ۱ (۱)، ۱۷۵-۱۹۰.
۱۷. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵. <https://www.amar.org.ir/>.
۱۸. مهندسین مشاور پردازاز. (۱۳۸۸). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر و حوزه نفوذ شهر سبزوار، جلد اول: بررسی و شناخت وضع موجود شهر. وزارت راه و شهرسازی.
۱۹. نصر، ح. (۱۳۸۵). شهرسازی و حقوق شهروندی، شهرداری ها، ۶ (۷۵)، ۷۳-۶۷.
۲۰. نظریان، ا.، شوهانی، ن. (۱۳۹۰). توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروند مدار در ایلام. چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، ۶ (۱۶)، ۱۳۴-۱۵۱.
۲۱. هاشمی، س.م.، همتی، م. و اسماعیل زاده، ح. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی. تحقیقات حقوقی، (۸۰)، ۵۰-۴۹.
22. Carabain, C., Keulemans, S., Gent, M., & Spitz, G. (2012). *Global citizenship, from public support to active participation*. Amsterdam: NCDO.
23. Gaventa, J. (2002). Exploring citizenship, participation and accountability. *IDS bulletin*, 33(2), 1-14.
24. Lister, R. (1998). Citizen in action: Citizenship and community development in Northern Ireland context. *Journal of Community Development*, 33(3), 226-235.
25. Lunn Brownlee, J., Scholes, L., Walker, S., E., Johansson, E. (2016). Critical values education in the early years: Alignment of teachers personal epistemologies and practices for active citizenship. *Teaching and Teacher Education*, 59, 261-273.
26. Naka, M., Okada, Y., Fujita, M., & Yamasaki, Y. (2011). Citizen s psychological knowledge, legal knowledge, and attitudes toward participation in the new Japanese legal system , saiban-in seido. *Psychology, Crime & Law Journal*, 17(7), 621-641.
27. Raisi, J., Miri, G. R., & Hafez Rezazadeh, M. (2015). Evaluation and analysis of the role of citizen participation in urban development (Case study: The city of Nikshahar). *American Journal of Engineering Research*, 1(4), 74-78.
28. Smismans, S. (2009). European civil society and citizenship: Complementary or exclusionary concepts? *Policy and Society*, 28, 59-70.
29. Sutton, M. (2008). Knowledge citizenship for active informed citizenship. *South African Journal of Information*, 10(4), 1-5.